

www.ketab.ir

مبادی تاریخ گذاری عامه

سالهای عامه در فرهنگ مازندران

پژوهش: علی ذبیحی



مبادی تاریخ‌گذاری عامه

(سال‌های عامه در فرهنگ مازندران)

نویسنده	ا. علی ذبیحی
ویراستار	ا. معصومه افشار
طراحی کتاب	ا. استودیوزاغ - یاسر عزآباد
طرح روی جلد	ا. یاسر عزآباد
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۹۹۹۳۶-۲-۸
چاپ اول	ا. بهار ۱۴۰۰
شمارگان	جلد ۱ ۱۴۰۰
قیمت	۱۴۰۰ تومان

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

سرشناسه: ذبیحی، علی، ۱۳۵۶ -
عنوان و نام پدیدآور: مبادی تاریخ‌گذاری عامه: سال‌های عامه در فرهنگ مازندران / پژوهش علی ذبیحی
ویراستار: معصومه افشار
مشخصات نشر: سازی: موسسه درنگستان، ۱۴۰۰
مشخصات ظاهری: ۵۱۸ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۹۹۳۶-۲-۸
وضعیت فهرست نویسی: فیا
پادداشت: کتابنامه
عنوان دیگر: سال‌های عامه در فرهنگ مازندران
موضوع: تاریخ‌نگاری قومی -- ایران
موضوع: Ethnohistory
موضوع: رویدادهای خاص -- ایران -- مازندران
موضوع: Special events -- Iran -- Mazandaran (Province)
موضوع: مازندران -- تاریخ
موضوع: History -- Mazandaran (Iran Province)
رده بندی کنگره: DSR ۹۰
رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۰۷۲
شماره کتابشناسی ملی: ۷۵۸۳۵۲۷

فهرست

«جنگ کلوبند»	۹۶	۹ سخن ناشر	۹
«بختیاری سال» (سوادکوه)	۹۶	۱۱ پیش‌گفتار	۱۱
«جنگ با بختیاری»	۱۰۱	۱۹ مقدمه: مباحث تاریخی‌گذاری عامه	۱۹
«اردوی بختیاری»	۱۰۱	۵۷ «سادی تاریخی‌گذاری عامه» سازندگان	۵۷
«امیرالوجه هاگرد سال»	۱۰۴	۵۹ «سیل آمل»	۵۹
«امیر بامو سال»	۱۰۶	۶۳ «خواجه‌وندی سال»	۶۳
«تشن‌کته سال» (آمل)	۱۰۷	۶۷ «گت ویا سال»	۶۷
«تشن‌بیته سال» (آمل)	۱۱۶	۷۱ «ویا سال»	۷۱
«کجوری‌ها سال»	۱۲۰	۷۳ «طاعون سال»	۷۳
«جنگ دارکلا»	۱۲۴	۷۶ «یلک سال»	۷۶
«قحطی سال»	۱۲۵	۷۸ «خواجه‌وند سال»	۷۸
«قحطی سال و ماه»	۱۳۱	۸۰ «پنج قتل سال»	۸۰
«سی تمنی سال»	۱۳۱	۸۱ «خُشکِ سالی»	۸۱
«جنگ با قزاق»	۱۳۱	۸۴ «طوفانی سال»	۸۴
«جنگ با ژاندارمری»	۱۳۴	۸۵ «پو سال»	۸۵
«بز مرگ سال»	۱۳۴	۸۶ «ترک‌مونی سال»	۸۶
«بلشوید سال»	۱۳۶	۸۹ «جنگ ترک‌مون»	۸۹
«جنگ پُل زغال»	۱۳۸	۹۲ «بختیاری سال» (آمل و بابل)	۹۲

۱۳۹ «تب راجعه [سال]»	۲۴۹ «تش سال»
۱۴۰ «گو ناخشی سال»	۲۵۴ «تش دخته سال» (فانمشهر)
۱۴۴ «گو میری»	۲۶۱ «تش بیته سائی»
۱۴۴ «گو نیمرده سال»	۲۶۱ «آزار بیته سال»
۱۴۴ «گو مرگ سال»	۲۶۲ «له بکرده سال»
۱۴۴ «گاو ناخشی سال»	۲۶۳ «اُخِر سال»
۱۴۶ «جلالی سال»	۲۶۵ «افتاب فطیل بیته سال»
۱۶۶ «زلزله سائی»	۲۷۰ «گرچی دعوا»
۱۸۲ «زلزله سال» (کسوت)	۲۷۱ «جنگ گرچی محله و فره تپه»
۱۹۲ «هوشمندی سال»	۲۷۱ «فیوج سال»
۲۰۴ «بغاری سال»	۲۷۲ «هکتی سال»
۲۱۴ «آملاک دوره»	۲۷۷ «سال سی هکتی»
۲۱۴ «آملاک دله»	۲۷۷ «سی هکتی»
۲۱۴ «آملاک سال»	۲۷۷ «کم اوبی سال»
۲۱۴ «سختی سال و ماه»	۲۸۲ «پلنگ دخته سال»
۲۱۷ «صالحونی سال»	۲۸۲ «تیل سال»
۲۱۸ «خصبه سال»	۲۸۶ «تش بیته سال» (پرکلای بهشهر)
۲۲۲ «شوروی سال»	۲۸۶ «پرکلای تش بیته سال»
۲۲۸ «أروسی سال»	۲۸۶ «صد تمنی سال»
۲۲۸ «بلشویکی سال»	۲۸۷ «مصدقی»
۲۳۲ «بلوا سال»	۲۹۱ «لاهور سال»
۲۳۲ «خی دوشته / دوشتنه سال»	۲۹۸ «سیل سال»
۲۳۲ «توده وطنی سال»	۳۰۲ «شاه فرار بُکرده [سال]»
۲۴۲ «توده سال»	۳۰۳ «توده ای سال»
۲۴۲ «دعوائی سال» (بندی بابل)	۳۰۳ «شاه بورده سال»
۲۴۲ «واقعۀ پل سه تیر»	۳۰۳ «مصدقی سال»

سخن ناشر

پژوهشگاه و نشر درنگستان فرهنگخانه‌ی مازندران با این هدف برپاگردید تا به ثبت و ضبط شماری از موضوعات بنیادین فرهنگ‌ها و پاره‌فرهنگ‌های اقوام ایرانی، به ویژه فرهنگ‌های مردم بومی رشته کوه البرز بپردازد. تصمیم شورای علمی - پژوهشی این انتشارات بر آن است که کار نشر را در سه زمینه‌ی نوشتاری، آوایی و تصویری دنبال نموده، تنها به انتشار آن دسته از آثار اقدام نماید که بر پژوهش‌ها و گردآوری‌های میدانی و کتابخانه‌ای روشمند و علمی استوار است. انتشار پژوهش‌ها و آثار در حوزه‌ی تاریخ، تاریخ فرهنگ، باستان‌شناسی، اسطوره و آیین، نمایش، زبان، موسیقی و دیگر بخش‌های در حال فراموشی میراث معنوی، چشم‌انداز انتشاراتی درنگستان است. کارگزاران و انتشار آثار پژوهشی و هنری پدیدآورندگان بر عهده‌ی شورای علمی - پژوهشی است. تا یک دهه‌ی آینده کوشش‌های این نهاد در راستای انتشار آثار آماده یا در دست تدوین، مانند فرهنگ نقوش و نمادهای ملی و بومی ایران، فرهنگ خنیاگری در تبرستان و مازندران، واژه‌نامه‌ی تبری و واژه‌نامه‌هایی درباره‌ی زبان‌های گمنام و رمزی و یا زبان‌های خاموش در خرده‌فرهنگ‌های سمنان (کومش)، گلستان، مازندران، گیلان، تالش، تالقان و قصران معطوف است.

در همین راستا اثر «مبادی تاریخ‌گذاری عامه» کار پژوهشگر و نویسنده ارجمند آقای «علی ذبیحی» نیز به عنوان اثری تحقیقی مورد حمایت این نشر قرار گرفت. در همین رابطه چنانچه آثار ملی و ارزشمند، مورد شناسایی و تأیید اعضای شورای علمی - پژوهشی قرار گیرد، پژوهشگاه و انتشارات درنگستان از انتشار آن پشتیبانی می‌کند.

مدیرمسئول پژوهشگاه فرهنگخانه‌ی مازندران

جهانگیر نصری اشرفی

پیش‌گفتار

علاقه به «مازندران» و «فرهنگ مردم» و «تاریخ» ترکیبی با عنوان «مبادی تاریخ‌گذاری عامه» حاصل نمود که اکنون پیش روی شما گرامیان است. موضوعی که ریشه در زندگی کوهستان و خاطره‌گویی کهن سالان داشت و دل‌مشغولی خود را با پیگیری شنیده‌های راویان، به چند و چونش رسید؛ اما برای تحققش به انگیزه‌ای بیش از آن نیاز بود. مهم آنکه در ورطه‌کاری تکراری و انجام شده نیفتاد و در پرداختن به آن بیهوده راه نپیمود. این مهم با توجه به علایق سه‌گانه یاد شده و شناخت نسبی که از آثار منتشر شده در مازندران به دست آمد، صورت مکتوب یافت؛ اما ورود به این وادی بیش از تصور پیشین جذاب بود؛ لذا با اینکه ادامه کار مشکل‌ها داشت و منزلت بس خطرناک و مقصد بس بعید می‌نمود؛ ولی چون «هیچ راهی نیست کان را نیست پایان»، شور عشقِ اول سبب شد تا ادامه کار رها نشود و به پیگیری و شرح یافته‌ها بینجامد.

تاریخ برای هر امت به مثابه‌ی ذاکره برای هر فرد است و هر امتی در هر سطحی از تمدن و فرهنگ، نصیبی از حوادث و سوانح و احوال و اعمال دارد که همان تاریخ است. بر این نصیب در مسیر زمان و بر اثر تحولات گوناگون سیاسی و اجتماعی و سایر جنبه‌های

حیات آدمی افزوده می‌شود و تاریخ قوم گسترده‌تر و ریشه‌دارتر می‌گردد. تاریخ مکتوب، توصیف همین احوال و تحولات از طریق ثبت و نگارش آنهاست که در چهارچوب تنگ‌تری عرضه می‌شود اما بی‌گمان تاریخ مکتوب، کل تاریخ نیست بلکه آن بخش از احوال و اعمال و اندیشه‌هایی است که به ضبط آمده است. هر چند برخی از مورخان- همچون «ابن حزم» و «ابن فرجون»- چهارچوبه تاریخ را تنگ گرفتند و آن را شامل وقایع مشهور و حوادث ایام سلاطین و دولت‌ها دانسته‌اند اما مورخانی دیگر- مانند «حافظ ابرو»- معنای تاریخ را گسترده‌تر و شامل شناخت احوال عالم کون و فساد از جمله آثار علوی چون زلزله، سیل، خسوف، کسوف و سایر پدیده‌هایی که انسان را در آن دخلی نیست، دانسته‌اند.^۱ با این توضیح موضوع اثر حاضر بخشی از وقایع و رویدادهای قابل اعتنا و تاریخی منطقه‌ای و فامکتوب سرزمینمان است که عنایت بایسته و مکتوبی در جامعه پژوهشی به آن نمی‌شود اما عامه مردم با انتخاب نامی کوتاه و مناسب آن وقایع و رویدادها را در حافظه تاریخی خود محفوظ نگه می‌دارند و تا چند نسل انتقال می‌دهند و چنانچه با همان نام و نشان از آنها سوال شود به شرح و بسط واقعه بر اساس مشاهدات یا نقل سینه به سینه می‌پردازند؛ پس دلیل اصلی رواج این گونه نام‌گذاری‌ها، پیوند آن با زندگی مردم است. در واقع عامه مردم به نوعی مورخ زندگی‌شان هستند و آن را در حافظه یا سینه خود ثبت می‌کنند و- چون عنصر زمان در ثبت وقایع تاریخی اهمیت دارد- آن را با مبدایی عام می‌سنجند.

هر قوم و قبیله یا مردم هر منطقه در زندگی روزمره خود، به ویژه تا پیش از همگانی شدن سوادآموزی و ثبت وقایع و ارتباط آنها با رسانه‌های نوشتاری و شنیداری و دیداری، نوعی زمان‌سنجی بومی و تقویم و گاهشماری محلی مخصوص به خود داشتند که مبدأ در آن جایگاهی نداشت و تقویم رسمی و مبدأ آن نیز فقط در اسناد و آثار مکتوب ثبت و ضبط می‌شد؛ اما مردم خود در امور روزمره دریافته‌اند که نیاز به آغازگاه یا مبدایی برای سنجش زمان دارند تا وقایع و رویدادهای دوران زندگی خود را بر مبنای آن «تاریخ‌دار»

۱. نقل به اختصار و مضمون از (سجادی، ۱۳۹۵: ۱۰-۱۲).

کنند؛ بنابراین از آنجایی که کارها براساس عرف و در نهایت در طول حیات یک یا چند نسل اتفاق می‌افتاد یکی از وقایع مهم دوران زندگی، مبدأ محاسبات و آغازگاه شمارش قرار می‌گرفت که این مبدأ مورد شناخت همان جامعه و به درازای طول عمر همان نسل بود. از طرف دیگر، این وقایع همچنان در جوامع امروزی نیز کاربرد دارند و دلیل آن هم شدت تأثیر واقعه بر جامعه و ارتباط سریع و آسان مردم با آن به جای برشمردن روز و ماه و سال وقوع حادثه بر مبنای تقویم رسمی است؛ مثلاً اگر امری مانند مرگ یا تولد در پیش و پس از زمین‌لرزه شهرتیم - در استان کرمان - اتفاق افتاده باشد مردم با بازگو کردن قبل یا بعد از «لرزه بم» زودتر و راحت‌تر با آن ارتباط برقرار می‌کنند تا با تاریخ «دی ماه ۱۳۸۲ شمسی». در واقع این رویدادها دلیل و شاهدی متقن بر وقایع اتفاق افتاده‌اند.^۱

اثر حاضر از دو جنبه پژوهشی موضوع محور است. نخست به تاریخ و سال‌هایی می‌پردازد که وقایع آن در میان عامه مردم رواج دارد و روایت می‌شود و دوم علت و موضوع هر نام‌گذاری است.

از آنجایی که وقایع و رویدادهای آمده در این اثر ماهیتی شفاهی دارند، بنا به نوشته «حمزه اصفهانی» در کتاب «تاریخ پیامبران و شاهان» (قرن چهارم هجری) هرگاه نظیر این گونه حوادث خارق‌العاده تدوین نشود تباهی می‌یابد و گفتار حکایت‌کننده آن پذیرفته نمی‌شود. از این رو راقم نیز در صدد مکتوب کردن این پیش‌آمدهای شگفت برآمد؛ اما آگاه است که پرس و جو - هراندازه مشکل باشد - نخستین گام در دست یافتن به «مبایذ تاریخ‌گذاری عامه» است و مکتوب کردن آنها نیاز به زیستن در میان

۱. هشکده نوشتن این اثر وقایع متعددی - همچون: آتش‌سوزی ساختمان نلاسکو در تاریخ ۳۰ دی ماه ۱۳۹۵، انفجار معدن زمسان بیورت آزادشهر در تاریخ ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۹۶، زمین‌لرزه کرمانشاه در شامگاه ۲۱ آبان ماه ۱۳۹۶، حادثه کشتی نفت‌کش سانچی در تاریخ ۱۶ دی ماه ۱۳۹۶، سقوط هواپیمای مسافربری «تهران - یاسوج» در تاریخ ۲۹ بهمن ماه ۱۳۹۶، وقوع سیل در استان‌های شمالی و غرب کشور و شهر خیراز از ۲۷ اسفند ماه ۱۳۹۷ تا فروردین ماه ۱۳۹۸، اعتراض مردم به افزایش بهای بنزین در آبان ماه ۱۳۹۸، ترور سردار سلیمانی و همراهانش در تاریخ ۱۳ دی ماه ۱۳۹۸، واقعه سرنوشتی هواپیمای مسافربری «تهران - کی‌یف اوکراین» در تاریخ ۱۸ دی ماه ۱۳۹۸، وقوع سیل استان سیستان و بلوچستان در تاریخ دی ماه ۱۳۹۸، شیوع ویروس کرونا از بهمن ماه ۱۳۹۸، درگذشت اسناد محمدرضا شجریان در تاریخ ۱۷ مهرماه ۱۳۹۹ و وقایع دیگری - در کشور رخ داده است. قطعاً نام و توضیح وقایع در حافظه مردم از تاریخ وقوع آنها بهتر محفوظ خواهد ماند.

مردم هر منطقه دارد تا در درازای زمان به مواردی دست یافت که حافظهٔ انسان در آن واحد و هنگام پرس‌وجوبه برشمردن آن یاری نمی‌رساند. پس هرچه در این وادی تأمل گردد هم مبداهای ذکرشده گسترش می‌یابد و هم برشمار آنها افزوده می‌شود؛ اما تأخیر بیش از اندازه در نشر اثر کارچندان درستی نبود. چراکه از یک سو «همه چیز را همه کس دانند» و نویسنده به هر منزل از این وادی گام بگذارد همواره در آغاز راه است و از دیگر سو شاید انتشار اثر بتواند کوشنده‌ای دیگر را بر تکمیل آن ترغیب نماید و مبادی دیگری بر آن بیفزاید. حتی در این خصوص می‌توان مترصد تکمیل و افزودن گسترهٔ آن بود تا برای هراستان و سپس کل کشور نیز طرحی جامع در انداخت؛ پس سعی شد برای جبران آنچه از قلم افتاده است مقدمه و چهارچوبهٔ متن در هر مدخل و برآیند اثر در پایان کتاب به گونه‌ای نوشته شود که تا حد امکان کاستی‌های موجود را بپوشاند و برای پژوهشگران این حوزه نیز شیوه و شرح و پیشنهادی مناسب ارائه نماید؛ بنابراین آنچه می‌ماند فقط افزودن مبادی سال‌های نیافته باشند.

در مقدمهٔ اثر سعی شد برای روشن‌تر شدن موضوع و گسترش آن به فراتر از مرزهای کنونی استان مازندران اشاره‌ای به این‌گونه سال‌ها در دیگر استان‌های ایران هم بشود؛ از این رو پس از جستجوهای شفاهی و کتبی، نام بیش از یکصد و بیست سال عامه به دست آمد که نشان از رواج آن در ایران، و البته همهٔ جوامع بشری، دارد.

ترتیب نوشتن و مدخل شدن مجموعه وقایع و سال‌های گردآوری شدهٔ مازندران بر اساس زمان حدوث واقعه از گذشته به اکنون بوده است؛ اما این شیوه، مدخل‌ها را از حالت الفبایی خارج و یافتن نام سال‌ها را برای خواننده مشکل می‌سازد. برای رفع این مشکل، فهرست الفبایی نام سال‌ها در انتهای کتاب نوشته شد تا با مراجعه به این فهرست و شمارهٔ صفحهٔ آن آسان‌تر بتوان به مقصود دست یافت. برای سال‌هایی که بیش از یک نام داشتند، ابتدا یکی از نام‌ها انتخاب و شرح شد و مابقی نام‌ها در انتهای همان شرح به نام منتخب

۱. یکی از رمان‌های معروف «گابریل گارسیا مارکز» «El amor en los tiempos del cólera» «عشق در زمان وبا» است که با عنوان «عشق سال‌های وبا» به فارسی ترجمه شده است.

ارجاع شدند. همچنین، به علت بومی بودن نام مدخل‌ها، عنوان‌های هر مدخل به صورت تحت‌اللفظی نیز ترجمه شدند تا برای غیرمازندرانی‌ها کاربرد داشته باشد.

اندازه هر مدخل در مقایسه با یکدیگر متفاوتند. این عدم تناسب به سبب روایی بودن سال‌های عامه، گستردگی و اهمیت رواج یک واقعه از محدوده یک روستا تا سطح استان، سیاسی یا اعتقادی بودن آن واقعه و میزان منابع و اسناد موجود بوده و هیچ عمدی در کار نبوده است. با اینکه برای برخی از مدخل‌ها اسناد و مدارک بیشتری به دست آمد اما علی‌رغم میل باطنی، برای صرفه‌جویی در مصرف کاغذ، از حجم کتاب تا اندازه‌ای که بر ساختار پژوهشی آن لطمه‌ای نزنند، کاسته شد. این کاهش در ارائه تصویر راویان و اسناد بیشتر برای مدخل‌ها صورت گرفت. همچنین، در همین راستا، برای بازخوانی برخی از اسناد که قبلاً در کتاب‌ها و مقاله‌ها به چاپ رسیدند به همان منابع ارجاع شدند.

مدخل‌هایی که به تقابل اشخاص و اقوام و گروه‌ها اشاره دارند، براساس منابع موجود و قابل دسترس تنظیم شدند و نمایی به گروه، شخص یا قوم خاصی وجود نداشته است. کوشش راقم نیز بر آن بود تا نسبت به سود و زیان هیچ جریانی جهت‌گیری نکند و فقط به نفس و ذات پژوهشی اثر پای بند باشد. نوشتن این دست از وقایع نیز به قصد یادآوری و باز نمودن زخم‌های کهنه نبود. بلکه توجه به «مبادی تاریخ‌گذاری عامه در مازندران» و بررسی چگونگی و علت نامگذاری سال‌ها بوده است. قطعاً در این اثر تحلیل تاریخی، ریشه‌ای و پرداختن به عوامل مؤثر در رخداد‌های هر مدخل مد نظر نبوده است. هرچند امکان دارد در روایت‌های نوشته شده بخشی از این عوامل بیان شده باشند. همین‌جا متذکر می‌شوم، کتاب بر مدار بررسی‌های مردمی و تاریخی نوشته شده است؛ بنابراین نوشتن اسم افراد و ارائه سند و ذکر نام راوی به رسم استناد در کار پژوهش است. راوی روایتگر دیده‌ها و شنیده‌هاست، نه شاهد و قاضی محکمه.

متن کتاب دو اختصار نوشته به صورت «نک»: به معنی «نگاه کنید» و «رک»: به معنی «رجوع کنید» دارد. اولی، نگاهی است به آنچه در متن کتاب آمده است و

خواننده گرامی برای تطابق و آگاهی بیشتر می‌تواند به نشانی داده شده مراجعه کند تا آن نوشته را در متن کتاب بیابد و بخواند. دومی، ارجاعی است برای مطالعه بیشتر که شرح و متن آن در این کتاب نیامده است و باید به صورت جداگانه تهیه و خوانده شود. انتخاب نام اثر برایم دشوار بود. مشورت با برخی استادان و دوستان فرزانه نیز نشان دهنده تازگی موضوع و تنوع نگاه به آن بود چه این کار را پیشینه‌ای لازم بود و دریغ که این لازمه را پیشینه‌ای راه‌گشا در کار نبود؛ پس سعی شد با توجه به وجود پسوند «سال» در عموم داده‌های مردمی - در مازندران و دیگر نقاط ایران - و همانندی آن از لحاظ نامگذاری با گاهشماری و تقویم در ایران باستان به صورت «سال آتش» و همچنین رواج آن به صورت افواهی در جامعه و شاخص سنجش بودن این سال‌ها با دیگر وقایع در همان جامعه، نام اثر نیز از این موارد تأثیر پذیرد؛ اما جمع این موارد به صورت «سال‌های معیار»، «سال‌های مشهور»، «سال‌های نواب یا پریشانی»، «سال‌های نام‌نهاد یا مستی»، «روایت سال‌های ماندگار»، «مبادی گاهشماری عامه»، «آغازگاه‌های تاریخ شفاهی»، «وجه تسمیه سال‌های عامه»، «حافظه بین‌نسلی مردم مازندران» و هر عنوان همانند دیگر، به نظرم سبب‌ساز ابهامی در نام اثر می‌شد که توجیه و تبیین آن نیازمند توضیح بود که در پایان نیز معلوم نبود جامع و مانع و حداقل‌های اقناع را در خود داشته باشد. از طرفی خود نیز به دنبال نام، کلیدواژه و معادلی دیگر برای آن بودم؛ پس با توجه به اینکه اثر حاضر به نوعی در زنجیره «تاریخ شفاهی خُرد» یا «تاریخ‌نگاری خُرد»^۱ قرار می‌گرفت در نهایت عنوان اصلی «مبادی تاریخ‌گذاری عامه» برایش انتخاب و توضیح «سال‌های عامه در فرهنگ مازندران»^۲ در ادامه آن نوشته شد. کلیدواژه‌های عنوان اثر «سال» و

۱. از جمله نام‌هایی که می‌شد برای این اثر انتخاب نمود عنوان «ایام العجم» در برابری با عنوان شناخته شده «ایام العرب» بود که البته مقبول واقع نیفتاد؛ بنابراین سعی شد عنوان «سال‌های عامه» معادلی برای «ایام العرب» باشد.

2. Micro-Oral History & Micro History

۳. سیاس از دکتر «مرضی نورایی» برای رهنمون شدن به این نکته.

۴. راقم پیشتر این موضوع را با عنوان «تاریخ‌گذاری شفاهی» به صورتی مدخلی کوتاه برای «دانشنامهٔ نیرستان و مازندران» نوشته است (رک: ذیحی، ۱۳۹۸، ج ۴، ۵۵۲-۵۵۶). همچنین، گزارشی با عنوان «کرونا در مسیر سال‌های عامه مازندران» نیز در خبرگزاری جمهوری اسلامی - استان مازندران (ایرنا) منتشر شده است (ایرنا، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۹).

«عامه» و «مبدأ» و «تاریخ‌گذاری» هستند. وند «سال» در اغلب موارد، به صورت پسوند و پیشوند، ممیزه‌ای مهم در تشخیص و تفکیک وقایع تأثیرگذار در جوامع بشری است. این «وند» در برخی موارد در مفهوم عنوان هر مدخل پنهان است یا به صورت لغتی دیگر بروز می‌نماید. لغت «عامه» نیز در پیوند با همه مردم جامعه از بالاترین سطح تحصیل و رفاه اجتماعی و اقتصادی تا پائین‌ترین آنهاست و با لغت عامیانه تفاوت دارد. «مبدأ» مهم‌ترین رکن هر گاهشماری و تعیین‌کننده فاصله زمانی وقایع از یک نقطه زمانی ثابت است. این نقطه زمانی، در میان مردم همان واقعه اتفاق افتاده، تأثیرگذار در حافظه تاریخی و سبب‌ساز تاریخ‌گذاری است؛ اما نه زمان‌سنجی دقیق و ریزبینانه که در گاهشماری‌های رسمی رایج است؛ بلکه یادی کلی از زمان که به پیش و پس از واقعه نظر دارد. «تاریخ‌گذاری» هم به معنای «تعیین تاریخ و زمان وقوع یک واقعه یا دانش تعیین تاریخ وقایع و رویدادهای تاریخی» که در مجامع و محافل دانشی شناخته شده است. اکنون جمع این موارد به صورت «سال‌های عامه» و «تاریخ‌گذاری عامه» نسبت به عناوین دیگر از عبارات ثقیل، عاطفی، شعارگونه و کلیشه‌ای به دور است و ابهام کمتری در خود دارد؛ پس با استفاده از عبارت یاد شده در عنوان اثر، بهتر و آسان‌تر می‌توان بر محتوای کتاب گمانه زد. حال نمی‌دانم چقدر توانستم بر این مهم دست یازم؛ اما کوشیدم تا فرجام کار برانجامد.

اکنون بایسته است مراتب سپاس خود را نثار «راویان اخبار و ناقلان آثار و طوطیان شکرشکن شیرین‌گفتار» نمایم که با سینه‌ای گشاده و زبانی شیوا مرا در این کار خطیر همراهی کردند. هم‌آنانی که نام تک‌تک‌شان در متن کتاب و قسمت مأخذ شفاهی ثبت و درج شده است. اگر نبود این همراهی، کجا مرا توان غوص در این دریای موج مردمی بود و اکنون که به یاری آنها نخستین گام را برداشتم دیگر یارای سپاسگزاری از مهرشان در من نیست. «جز احسنت از ایشان نبید بهره‌ام / بگفت اندر احسنت‌شان زهره‌ام». رفتگان را «منزل سفید» و باشندگان رونده را «راه سفید» باد.

لازم می‌دانم از چند دوست همراهم تشکر ویژه کنم. نخست «تقی موسوی تروجینی»

که از هیچ کمکی در بازگویی و به‌دست آوردن روایات شفاهی شرق مازندران دریغ نکردند. دوم دکتر «یوسف الهی» که مرا در بازخوانی اسناد باری رساندند. سه دیگر دکتر «علیرضا قاسمی» و «نادعلی فلاح» که متن اثر را پیش از چاپ خواندند و نکته‌های ارزشمندی جهت بهبود و تکمیل مطالب آن یادآوری نمودند. خانه‌شان آباد باد. از استادان گرامی دکتر «سید صادق سجادی» و دکتر «رسول جعفریان» و دکتر «محمد جعفری قنوتی» و دکتر «حسن ذوالفقاری» که با قبول زحمت، پیش‌نویس اثر را خواندند و با پیام‌هایشان راهنما و دلگرم کننده در ماهیت کار بودند، بسیار سپاسگزارم. همچنین، قدردان کارکنان سازمان اسناد کتابخانه ملی ایران و مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی ایران، آرشیو اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس مازندران و کارکنان روزنامه اطلاعات هستم که سندها و عکس‌ها و مطالب خواسته شده را در اختیارم گذاشتند. در پایان نیز بانیان نشر «درنگستان»، به ویژه مدیر مسئول فرهیخته آن جناب «جهانگیر نصری اشرفی»، تشکر می‌کنم که کتاب را آماده و منتشر کردند؛ اما می‌دانم که مجموعه تلاش آنها یادآور عبارت «هن مستتر» است.

انسان را لغزش‌هاست و گام نخست را لغزش و لیرزش بیشتر. خوبی‌های اثر را بی‌تردید به پای مردم مازندران و دوستان همراهم در این مجموعه ببینید و لغزش‌هایی که مردم چشم‌تان را پُر آب و رنج نمود کاستی‌هایی است که از خامی این خامه صادر گشت. مرا بر آنها نبخشایید و عیب راقم را رهین الطاف نقدِ نغز خود فرمایید تا غره بر حسن گفتار خویش نگردد و سخنش صلاح پذیرد.

مهرتان پایدار

آمل - دی ماه ۱۳۹۹

azabihin@yahoo.com